

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

نقش ژئوپلتیک غرب آسیا در نبردهای عصر ظهور؛ از منظر ادیان ابراهیمی

امید وطن دوست^۱
محمد رضا برزویی^۲

چکیده

مهم ترین منطقه ژئوپلتیکی در جهان، غرب آسیا^۳ است که نقش مهمی نیز در جغرافیای عصر ظهور بر عهده دارد. این محدوده به سرزمین های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس گفته می شود که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار دارد به طوری که از ناحیه کشور ترکیه به اروپا و از سرزمین مصر به قاره آفریقا متصل است. مفهوم آخرالزمان نیز، همواره یکی از کلمات کلیدی ادیان الهی به منظور ایجاد شوق برای پیروان می باشد تا ایشان در زمانی که در سختی های دنیوی قرار دارند همواره آینده ای روشن را پیش روی خود فرض کنند. آخرالزمان در ادیان مختلف الهی خصوصاً سه دین اسلام، یهودیت و مسیحیت به همین خاطر از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بدین منظور، تفاسیر مختلفی از کتب مقدس این سه دین در موضوع آخرالزمان انجام شده است. شباهت های بسیاری نیز میان این سه دین در توصیف آینده جهان خصوصاً دوران ظهور منجی (در هر کدام از این ادیان) وجود دارد اما یکی از مهم ترین نکات،

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران (نویسنده مسئول)
(omid_vatan@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران.

۳. در این جا غرب آسیا، منظور همان محدوده ای است که از سوی متفکران غربی به عنوان خاورمیانه نامیده شده است و استفاده از این لفظ در طول مقاله به دلیل ترجمه بودن و وفاداری به متن اصلی است.

نبردهایی است که از منظر این سه دین ابراهیمی در آخرالزمان رخ خواهد داد و بشریت را درگیر خود کرده تا پیروان ادیان پس از زدودن تاریکی‌های ضلالت، به آرامشی مثال زدنی دست یابند. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که؛ جایگاه و نقش ژئوپلیتیک غرب آسیا در نبردهای آخرالزمان از منظر ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت چه کیفیتی دارد و تفاسیر و دیدگاه‌های علمای این ادیان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داراست؟ روش انجام این تحقیق، به صورت تحلیلی و توصیفی است که با الهام‌گیری از تحلیل محتوای بیش از هزار و پانصد روایت در موضوع نشانه‌های ظهور و مباحث مرتبط با آخرالزمان و نبردهای آخرالزمانی، استخراج و احصاء شده است. در نهایت این مقاله برآن است تا با مطالعه‌ای تطبیقی میان روایات رسیده از این سه دین در موضوع جنگ‌های آخرالزمان و برخی تفاسیر آنها، نقش ژئوپلیتیک غرب آسیا را در این مبارزات، مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی

ژئوپلیتیک، خاورمیانه، غرب آسیا، آخرالزمان، آرمگدون، سفیانی، امام مهدی علیه السلام، اسلام، کتاب مقدس.

مقدمه

در روزگاری به سر می‌بریم که به گفته بسیاری از اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی؛ عصر آخرالزمان است. این عصر ویژگی‌های بسیاری دارد که از جمله آنها، جنگ‌هایی است که در آخرالزمان رخ می‌دهد. این جنگ‌ها برای اسلام‌گرایان و معتقدان به کتاب مقدس (Holy Bible) در دهه‌های اخیر از دهه ۱۹۶۰ میلادی بسیار مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است.

در بسیاری از عقاید این جنگ‌ها میان اسلام و کتاب مقدس اتفاق نظر وجود دارد اما در کتاب مقدس روایاتی ذکر شده که با کتب روایی اسلامی (خصوصاً شیعی) منطبق نبوده و گاهی اوقات در تعارض است.

دغدغه‌هایی که اکنون در جهان نسبت به این جنگ‌هاست، ظاهری دینی و مذهبی دارند اما به اعتراف جغرافی‌دانان سیاسی در باطن بسیار پیچیده و در میان تمام مناطق ژئوپلیتیکی جهان می‌باشد.

طبق توصیه ادیان، هردینی مبلغان خاصی را باید در اختیار داشته باشد تا بتواند دین خود را بهترین دین جلوه داده و معتقدان بیشتری را جذب خود کند. در عصر آخرالزمان هم بیشتر

تبلیغات مذهبی خصوصاً پس از انقلاب اسلامی ایران، توجه خود را به جنگ‌های آخرالزمان جلب کرده است و می‌توان گفت که طرف معتقد به کتاب مقدس، انقلاب اسلامی ایران را روشن شدن آتش این جنگ‌ها می‌داند ولی چگونه به این نتیجه رسیده است؟! در غرب، خصوصاً در ایالات متحده امریکا تبلیغات بسیار گسترده و پیچیده‌ای درحال انجام است که با زیرکی تمام از طریق رسانه‌ها، احساسات مردم را تحت کنترل خود قرار داده و تعابیر اشتباه خود را که به منافع‌شان مربوط است به مردم انتقال داده و مردم نیز که احساسات‌شان تحت تأثیر و تحریکات رسانه است به راحتی این تبلیغات را می‌پذیرند. و اما از اینجا، راه مستقیم جدا و آشکار است. کسانی که بر کتب مقدس‌شان تسلط کافی و مطلوبی دارند این تعابیر را با کتاب‌های‌شان بررسی می‌کنند و زمانی که درمی‌یابند مفاهیم اشتباهی وارد اندیشه مردم شده به مقابله با آن می‌پردازند و دیدگاه مثبت قبلی خود را نسبت به این افراد از دست می‌دهند و راه خود را از آنها جدا می‌کنند تا به راه راست بروند. تعداد این افراد در جامعه امریکا که فساد زیادی را متحمل است، بسیار کم می‌باشد. و مخالفت‌های سیاسی نیز که از جانب برخی کشورها نسبت به این سیاست‌ها، انجام شده نه تنها از سرعت این تبلیغات نکاسته بلکه به تبلیغ علیه همین کشورها نیز منجر می‌شود. این مقاله برآن است تا با مطالعه‌ای تطبیقی میان روایات رسیده از این سه دین درموضوع جنگ‌های آخرالزمان و برخی تفاسیر آنها، نقش ژئوپلتیک غرب آسیا را در این مبارزات، مورد بررسی قرار دهد.

سوال اصلی

جایگاه و نقش ژئوپلتیک غرب آسیا در نبردهای آخرالزمان از منظر ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت چه کیفیتی دارد؟ و تفاسیر و دیدگاه‌های علمای این ادیان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داراست؟

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق، به صورت تحلیلی و توصیفی است. در این حالت نویسندگان ابتدا با استفاده از کتب، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی نزدیک به دوهزار روایت درباره مهدویت و نشانه‌های ظهور را احصاء کرده و پس از حذف موارد تکراری یا غیرمرتبط یا مشکوک، به حدود هزار و پانصد روایت رسیدند. بعد از آن با الهام‌گیری از تحلیل محتوای روایت در موضوع نشانه‌های ظهور و مباحث مرتبط با آخرالزمان و نبردهای آخرالزمانی، نقش و جایگاه غرب آسیا

در نبردهای آخرازمانی استخراج و احصاء شده است.

خاورمیانه (غرب آسیا) کجاست؟

«اصطلاح خاورمیانه را نخست باریک مورخ وابسته به نیروی دریایی امریکا به نام ماهان^۱ در بخش راجع به استراتژی نیروی دریایی بریتانیا در ارتباطات با فعالیت روسیه در ایران و یک پروژه آلمانی در خصوص احداث خط آهن بین برلین و بغداد به کار برد. منظور وی از خاورمیانه منطقه‌ای بود که مرکز آن خلیج فارس واقع می‌شد.» (برمونت و دیگران، ۱۳۶۹: ۱)

ژرژ لنچافسکی در کتاب خودش به نام «تاریخ خاورمیانه»، خاورمیانه را مغرب پاکستان، جنوب شوروی (سابق) به علاوه مصر در قاره افریقا می‌داند. همچنین در این کتاب اشاره کرده که خاورمیانه بین نصف النهار ۳۰ و ۴۰ قرار گرفته است. او نهایتاً کشورهای ترکیه، ایران، افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، اسرائیل، اردن، مصر، عربستان سعودی و یمن را کشورهای خاورمیانه می‌داند. (لنچافسکی، ۱۳۳۷)

فیش در کتابش به نام «The middle east» می‌نویسد که لفظ خاورمیانه، لفظی نیست که اتفاق عمومی‌تر گستره آن وجود داشته باشد و لذا تعاریف بسیاری در این زمینه وجود دارد. (Fisher, 1978)

در این محدوده تمامی کشورها اسلامی هستند و همین نکته موجب شده تا این محدوده در اروپا به قلمرو اسلام و مرکز جهان اسلام شناخته شود.

مرزهای این محدوده نیز در عین خودش جالب و بحث‌برانگیز است به این صورت که مرزهای شرقی آن را شرق ایران و دیگر مرزهای آن مرزهای آبی هستند مانند دریای مدیترانه شرقی، دریای سرخ، دریای عربی، دریای عمان و خلیج فارس که در حال حاضر و در آینده، همین آب‌های خاورمیانه سرنوشت‌ساز خواهد بود. (عزتی، ۱۳۷۲: ۱۷۰)

همین مرزهای دریایی و مرزی که از طریق کشورهای ترکیه یا مصر به صورت خشکی است موجب شده تا این محدوده هم مکمل عملیات استراتژی نظامی و خشکی و دریایی باشد.

(عزتی، ۱۳۷۲: ۱۷۰) برای همین ادعا می‌توان به جنگ عراق و کویت اشاره کرد که در مدت زمان بسیار کوتاهی این کشور از راه دریایی و خشکی مورد حمله قرار گرفت.

در همین راستا می‌توان به نقش تنگه هرمز و منابع آب اسرائیل اشاره کرد که به ادعای برخی

نویسندگان غربی ممکن است ایران این تنگه را مسدود کند و همین امر موجب قطع ارتباط با کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود و اما در مورد منابع آب اسرائیل، دو کشور سوریه و اردن احتمال قطع یک جانبه و یا دوجانبه آب (رود اردن) را دارند که همین امر به ایجاد یک بحران گسترده در اسرائیل دامن می‌زند. (کمپ وهارکاو، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۳)

و اما دیگر موانع، کوه‌ها و صحراهایی است که در این محدوده وجود دارد. این محدوده از شروع آن از سمت غرب دارای صحرا و رشته کوه‌هایی است که اهمیت سیاسی و نظامی این منطقه را چندین برابر می‌کند و مشکلات زیادی را برای مهاجمین به این منطقه ایجاد می‌کند. همین بحث موجب شده تا چشم غرب همیشه به این منطقه باشد؛ منطقه‌ای که دارای منابع عظیمی است خصوصاً در بحث نفت این محدوده بسیار اهمیت دارد و اما در مورد هجوم به این منطقه از لحاظ زمینی درمانده‌اند و شاید تشکیل دولت اسرائیل نیز در راستای همین هدف (تسخیر جهان اسلام و خاورمیانه) باشد. در همین راستا نیز صحرای سوریه و صحرای سینا نه در آینده بلکه در گذشته نیز نقش مهمی را در جنگ‌ها ایفا کرده‌اند.

به ادعای برخی نظریه پردازان، اگر اسلام به نقش ژئوپلیتیکی خودش پی ببرد و به نیروی ایمان مذهبی‌اش تکیه کند می‌تواند بدون آن‌که مکمل‌های قدرتی (تسلیمات و...) داشته باشد - البته با توضیحاتی که داده شد - قدرت سومی بین شرق و غرب پدیدآورد.

ژئوپلیتیک غرب آسیا

در تعریف واژه ژئوپلیتیک (geopolitics)، دانشمندان علم ژئوپلیتیک، تعاریف زیادی را ارائه کرده‌اند و به طور کلی اتفاق نظر روی تعریف واژه ژئوپلیتیک وجود ندارد با این حال چند تعریف از این واژه در این علم ارائه شده است که در زیر می‌آوریم:

واژه ژئوپلیتیک که ابتدا در سال ۱۸۹۹ میلادی توسط دانشمند سوئدی به نام رودولف کیلن (Rudolf Kjellen) وضع شد به بخشی از معلومات حاصله ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست اطلاق گردید. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۳)

عزت الله عزتی از دانشمندان این علم در ایران در تعریف این واژه نوشته است:

علم ژئوپلیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد. از زمان عنوان شدن واژه ژئوپلیتیک، معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان‌هایی که در آن سکونت دارند مطرح بوده است و خلاصه این‌که این واژه نقشی بسیار اساسی در تولید قدرت داشته است. (عزتی، ۱۳۹۲: ۵)

اما چرا می‌گوئیم که محدوده غرب آسیا، محدوده‌ای حیاتی به شمار می‌رود؟

مناطق حیاتی (Vital regions) به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که به لحاظ مادی (مانند منابع طبیعی گرانبها و کمیاب) یا فرامادی (نظیر میراث دینی - مذهبی) و یاهر دو به ساکنانش حیات می‌بخشد به گونه‌ای که بدون آن منابع مادی و فرامادی، ساکنان این مناطق بسیار عادی دیده می‌شوند. (نصری، ۱۳۹۳: ۱۵)

با این تعریف، منطقه غرب آسیا که یکی از محدوده‌هایی در دنیاست که ذخائر وافری از انرژی خصوصاً نفت و گاز را در اختیار دارد و از سوی دیگر، ادیان ابراهیمی ریشه در این محدوده داشته و تاریخ بسیار پربسامه‌ای نیز متعلق به این منطقه می‌باشد، از مهم‌ترین مناطق حیاتی دنیا محسوب می‌شود چنان که در ملاک حیاتی بودن یا نبودن یک منطقه، نصری در کتاب خودش چنین می‌آورد:

ملاک حیاتی بودن یا حیاتی دیدن یک منطقه این است که بازیگر ذینفع بتواند با تملک یا کنترل بر آن منطقه بر قدرت و اعتبار خود بیفزاید و با از دست دادن تملک یا کنترل آن منطقه، ارزش‌های حیاتی (نظیر تمامیت ارضی، حکومت سیاسی یا انسجام اجتماعی) خود را در معرض خطر ببیند. (همان: ۱۹)

با توجه به حضور درازمدت نیروهای خارجی در این محدوده خصوصاً از زمان جنگ جهانی دوم (و همزمان با نامیدن این منطقه به خاورمیانه)، می‌توان گفت این منطقه از جهات مختلف برای این نیروها و کشورهاشان اهمیت داشته است.

جنگ‌های آخرالزمان از منظر دین اسلام

جنگ‌های سفیانی

به سبب آن که در ادامه این مقاله، جنگ آرمگدون را توضیح خواهیم داد، تنها جنگی که می‌توان آن را معادل با جنگ موعود آرمگدون دانست، ظهور سفیانی و جنگ‌های او می‌باشد فلذا از بقیه جنگ‌های آخرالزمان صرف نظر نموده، به این جنگ به طور خاص می‌پردازیم.

شخصیت و جهت‌گیری‌های مذهبی سفیانی

مشهور است که نام سفیانی «عثمان» و نام پدرش «عنبسه» می‌باشد (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۵۰). مشهورترین و معروف‌ترین لقب او سفیانی است (او را از آن جهت سفیانی می‌نامند که از تبار ابوسفیان است). از دیگر القاب او «صخری» منسوب به صخر پدر ابوسفیان است (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۲۷۶).

در بسیاری از روایات آمده است که نسب سفیانی از طریق پدر به بنی امیه و از طریق مادر به بنی کلاب (قبیله کلاب) می‌رسد، همان‌طور که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هُؤْمِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ أَوْأَلُهُ كَلْبُ؛

او از تبار بنی‌امیه و دایی‌های او از خاندان کلب هستند (ابن طاووس، ۱۴۱۵: ۹۶).

در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

دعوی ما و آل‌ابی‌سفیان در مورد خدا است، در راه خدا با هم دشمنی کردیم، ما گفتیم خدا راست می‌گوید آنها گفتند خدا دروغ می‌گوید و لذا ابوسفیان با پیامبر صلی الله علیه و آله، معاویه با امیرمؤمنان علی علیه السلام و یزید با امام حسین علیه السلام جنگید و سفیانی با قیام‌کننده ما خواهد جنگید (شیخ صدوق، ۱۳۳۸: ۳۴۶).

امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

سفیانی هنگامی که از ممالک روم^۱ باز می‌گردد صلیب به گردن می‌آویزد (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۰۸).

می‌توان از این حدیث نتیجه گرفت که پس از فتنه‌انگیزی‌هایش به غرب مراجعه کرده و پس از بازگشت به یکی از عمال غرب تبدیل شده و همچنین به گردن آویختن صلیب نیز متعلق به بنیادگرایان یا اصولگرایان مسیحی است که به صهیونیست‌ها نیز مشهورند و این درحالی است که قبل از این ماجرا، او در عراق به نام اسلام از مردم بیعت گرفته است.

ظهور این فرد و مکان و کیفیت آن

ظهور این فرد که در کتب اسلامی به نشانه حتمی ظهور نام برده شده، در سرزمین شام و به قولی در وادی یابس است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سفیانی بی‌درنگ از وادی یابس خروج کرده وارد دمشق می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱:

ج ۲، ۱۰۸۳)

در پی ظهور سفیانی، اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به استانبول (قسطنطنیه) فرار می‌کنند و سفیانی همان‌طور که ذکر کردیم با غرب در تماس است، این افراد را از حاکم آن دیار مطالبه می‌کند و

۱. البته بعدها در همین منطقه بنا بر روایاتی، میان روم و ترک جنگ در می‌گیرد که به دلیل آن‌که خاستگاه این دوسپاه در منطقه غرب آسیا نیست و به دلیل درحاشیه بودن این جنگ به آن نمی‌پردازیم.

آنها را پس می‌گیرد و تمامی آنها را می‌کشد:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... بعد از ورود او به دمشق، اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قسطنطنیه می‌گریزند. سفیانی آنها را از زمامدار روم مطالبه می‌کند و زمامدار روم آنها را تحویل می‌دهد و سفیانی آنها را در پله‌های شرقی مسجد گردن می‌زند و کسی به او اعتراض نمی‌کند.» (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۰۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

سفیانی با ۳۶۰ اسب سوار حرکت کرده، وارد دمشق می‌شود. ماه رمضان فرا نمی‌رسد جز این که ۳۰ هزار نفر از قبیله بنی کلب با او بیعت می‌کنند. آن‌گاه سپاه مجهزی را به عراق می‌فرستد و صد هزار نفر را در بغداد طعمه شمشیر می‌سازد. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۸۳)

در همین زمان که سفیانی راه خود را از مسلمانان - البته نه به طور ظاهری - جدا کرده با مبارزاتی مواجه می‌شود که در واقع می‌توان گفت که سپاهش را قوی‌تر و مجرب‌تر می‌سازد. یکی از این مبارزات قیام نژاد قیس از سرزمین مصر علیه سفیانی است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «چون سفیانی از حق منحرف شود و از شاهراه دین خارج شود نژاد قیس از مصر قیام می‌کند و با سپاه سفیانی مقابله می‌نماید.» (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۸۳)

سفیانی این سپاه را شکست می‌دهد و مصر را تحت سلطه خود درمی‌آورد.

برنامه ریزی‌های سفیانی برای جنگ‌ها

سفیانی قصد دارد تا اولاد نبی اکرم صلی الله علیه و آله را از روی کره زمین بردارد. به همین دلیل هر جا که حمله می‌کند قربانیان ابتدایی آن محل، سادات و همراهان آنها خواهند بود.

اما سفیانی در سوریه تنها به دمشق اکتفا نمی‌کند و شهرهای حمص، حلب و رقه در سوریه و رأس العین در فلسطین و بعد از آن ورود به عراق را مدنظر خود دارد تا بتواند این محدوده ژئوپلیتیکی و بسیار مهم از لحاظ نظامی، سیاسی و... را بیش از پیش تحت کنترل خود درآورد.

امام علی علیه السلام در قسمتی از خطبه خود که به خطبه البیان معروف است می‌فرماید:

... ای مردم! بدانید وقتی که سفیانی ظاهر شود رویدادهای عظیمی برای وی خواهد بود. اولین رویداد در حمص سپس در حلب آنگاه در رقه بعد در قریه سبا سپس در رأس العین آنگاه در نصیبین سپس به موصل و سفیانی ۶۰ هزار نفر آنان را خواهد

کشت. (قزوینی، ۱۳۷۶: ۴۵۲)

تصرف شام

در چنین شرایطی که دمشق در دست سفیانی است، او فکر تصرف شام^۱ را در سر می‌پروراند اما گروه‌هایی از مردم عرب از سرزمین شام برمی‌خیزند و علیه سفیانی دست به قیام می‌زنند که قبل از حرکت به سمت عراق، سفیانی سپاه این دو فرد شورش‌کننده خصوصاً اَبَق و اصهب را متلاشی می‌کند و بر شام خصوصاً سرزمین‌های حمص، حلب، اردن و فلسطین تسلط می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

چون سفیانی به دمشق نزدیک شود، حاکم دمشق پا به فرار می‌گذارد و قبایل عرب بر او گردآیند. ربیعی، جُرهمی، اصهب و دیگر شورش‌گران از اهل فتنه و هرج و مرج علیه او می‌شورند ولی سفیانی بر همه آنها غلبه می‌کند و بر شام سیطره می‌یابد. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۱۶)

از این پس (تسلط سفیانی بر شام) در روایات ذکر شده که حکومت او بیش از ۹ ماه طول نخواهد کشید و خواهید دید که در همین ۹ ماه چه جنایاتی توسط این فرد رخ خواهد داد.

جنگ موعود قرقیسیا

سفیانی که هدفش عراق است در بین راه خود می‌بایست از قرقیسیا عبور کند. قرقیسیا شهری است در منطقه شمالی سوریه که در میان فرات و سرچشمه رودی به نام خابور قرار دارد. این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق و ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ترکیه فاصله دارد و در نزدیکی شهر دیرالزور می‌باشد. (الساده، ۱۳۸۵: ۱۲۷)

این جنگ به صورتی است که بین دو گروه درگیر است، بنابه روایاتی سفیانی در این جنگ یکی از طرفین است که صدهزار نفر را از طرف مقابل قربانی می‌گیرد و آن قدر تعداد کشته‌شدگان زیاد است که طبق روایتی در کتب اسلامی و حتی در کتاب مقدس، خداوند به پرنده‌ها وحی می‌کند که از گوشت کشته‌شدگان که طبق روایات هر دو طرف جنگ، باطل هستند بخورند.

حذیفه بن منصور الخزاعی از امام صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان فرمودند:

۱. حدود شام به این صورت است: از شمال به آسیای صغیر، از شرق به رود فرات، از جنوب به جزیره العرب و از غرب به دریای مدیترانه منتهی می‌شود که پس از جنگ جهانی اول به کشورهای اردن، سوریه، فلسطین و لبنان اطلاق می‌گردد. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه شام)

خداوند سفره رنگینی در قرقیسیا خواهد داشت. یکی از آسمان ندا کند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین! برای سیر کردن خود بشتابید به سوی گوشت ستمگران. (الکوران، ۱۳۸۶: ۱۲۷)

همچنین در مکاشفه یوحنا آمده است که:

... و دیدم فرشته را، در آفتاب ایستاده که به آواز بلند، تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده می‌گوید بیایید و به جهت ضیافت عظیم خداوند فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپهسالاران و گوشت جباران و گوشت اسب و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر ... (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۹ بندهای ۱۷ و ۱۸).

حمله به بغداد

پس از مبارزه و پیروزی سفیانی در قرقیسیا، او قصد تصرف بغداد را می‌کند. ۱۳۰ هزار نیروی نظامی به سمت بغداد می‌فرستد و در عرض سه روز در کنار رود دجله ۷۰ هزار نفر را می‌کشد به طوری که آب دجله از کثرت خون، سرخ رنگ شده و بوی اجساد نیز فضای شهر را آلوده می‌کند.

علی بن مهزیار از حضرت ولی عصر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

... سفیانی قصد زوراء (بغداد) می‌نماید بعد از آن که او ۱۳۰ هزار جنگجو به آنجا فرستاده و در اطراف آن پل ۷۰ هزار نفر در مدت سه روز کشته شوند، آب دجله از کثرت خون سرخ رنگ شود و بوی بد اجساد متصاعد باشد... (عارف، ۱۳۸۲: ۱۶۲)

حمله به کوفه

هدف بعدی سفیانی طبق این حدیث، کوفه است. سفیانی ارتشی متشکل از ۷۰ هزار نفر را به سمت کوفه روانه کرده و مردم آنجا را کشته یا دار می‌زند. در همین رابطه از امام باقر علیه السلام روایت شده است که:

سفیانی سپاهی را که تعدادشان به ۷۰ هزار نفر می‌رسد روانه کوفه کند و اهل آن سامان را با کشتن و دارزدن و اسارت گرفتار سازد... (الکوران، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون اعمال وحشیانه سفیانی نقل شده که فرمودند:

يُخْرَجُ رَجُلٌ يَقَالُ لَهُ السُّفْيَانِيُّ فِي عُمُقِ دِمَشْقَ وَعَامَةً مَن يَتَّبِعُهُ مِّنْ كَلْبٍ فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ وَيَقْتُلُ الصِّبْيَانَ؛

مردی از دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی گفته می‌شود همه کسانی که از او پیروی می‌کنند از خاندان کلب هستند، می‌کشد تا آنجا که شکم بانوان را پاره می‌کند و بچه‌های آنها را به قتل می‌رساند (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۲۴۱).

حاکم نیشابوری پس از نقل این روایت می‌گوید که این حدیث بر اساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح می‌باشد (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۲۰).

در بعضی از احادیث عامه از کشته شدن ۷۰ هزار نفر در عین التمر^۱ و از تعدی به حریم ۳۰ هزار نفر در کوفه بحث شده است (مقدسی حنبلی، ۱۴۲۷ق: ۳۱۰؛ مقدسی، ۱۳۹۹ق: ۷۷).

حمله به مدینه

در زمانی که سفیانی در شام حکومت می‌کند، ارتشی را همزمان با حمله به عراق، به سمت مدینه به راه می‌اندازد که مدینه را سه شبانه روز غارت کرده و مردم آن را قتل عام نموده و منبر مسجدالنبی را نیز نابود می‌کنند و به مقام پیامبر ﷺ هتک حرمت می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد و آن را خراب می‌کند و قبر شریف را ویران می‌سازد و استرهای خود را به مسجدالنبی صلوات الله علیه وارد می‌کند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۲۳)

قیام‌های ضدسفیانی

الف) قیام خراسانی

طبق روایات اسلامی، قیامی در خراسان به وقوع پیوسته به قصد یاری رساندن و آماده‌سازی‌های قبل از ظهور مهدی علیه السلام که به سمت عراق به حرکت درمی‌آیند. این ارتش از خراسان حرکت نموده و در راه فردی ازری به نام شعیب بن صالح با چهارهزارنفر به این ارتش می‌پیوندد و سکان فرماندهی نیز به او واگذار می‌شود. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

مردی گندمگون، چهارشانه و کوسه به نام شعیب بن صالح، با چهارهزارنفر ازری پیش از ظهور مهدی صلوات الله علیه خروج می‌کند. کسی در برابرش ایستادگی نمی‌کند جز این که کشته می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۵۴)

۱. عین التمر نام شهری در نزدیکی انبار در غرب کوفه است.

در این حال که این سپاه به سمت عراق در حال حرکت است، سفیانی سپاه خود را برای تسخیر و کشتار کوفه آماده می‌کند که در راه، سفیانی از حرکت این ارتش باخبر می‌شود و سپاهی را برای مقابله با آنها به سمت خراسان می‌فرستد که در شیراز بین این دو ارتش جنگ درمی‌گیرد که سپاهیان سفیانی پا به فرار می‌گذارند.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه عزیمت می‌کند، سفیانی گروهی را به جستجوی اهل خراسان می‌فرستد که برای یاری حضرت مهدی علیه السلام خروج کرده‌اند. سپاه سفیانی با سپاه سید خراسانی در دروازه استخر روبرو می‌شود که مردی به نام شعیب بن صالح پرچم‌دار خراسانی‌هاست و پرچم‌های سیاهی در دست دارند. نبرد سختی در میان‌شان پدید می‌آید که سرانجام صاحبان پرچم‌های سیاه پیروز می‌شوند و سپاه سفیانی فرار می‌کند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۵۱)

اما این ارتش از حرکت نمی‌ایستد، این ارتش هدفی بزرگ‌تر از شکست سپاه سفیانی دارد و آن هم یاری مهدی علیه السلام است. به همین خاطر این لشکر به سمت عراق به حرکت می‌افتد و هیچ چیز جلودارشان نیست تا آن‌که به رود دجله می‌رسند و در همین حال است که شورش حیره^۱ به وقوع می‌پیوندد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

سفیانی لشکری آراسته به سوی کوفه می‌فرستد آن‌جا با گروهی از شیعیان آل محمد علیهم السلام روبرو قرار می‌گیرد و آنها را می‌کشد و به دار می‌آویزد. آن‌گاه پرچم (سید) خراسانی از سوی خراسان حرکت می‌کند و در کنار دجله نصب می‌شود و مرد ناتوانی از ایرانیان خروج می‌کند و خود و پیروانش در پشت کوفه (حیره) به قتل می‌رسند. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۳۱)

این ارتش برای ملحق شدن به سپاه مهدی علیه السلام به سمت فلسطین به حرکت درمی‌آید و به سپاه مهدی علیه السلام می‌پیوندد و خود شعیب بن صالح نیز پرچم‌دار سپاه مهدی علیه السلام می‌شود.

امام صادق علیه السلام در وصف شعیب بن صالح فرمودند:

جوانی است نارس، زرد و گندمگون، کوسه و خفیف‌اللیحه، کسی در برابرش نمی‌ایستد جز این‌که می‌کشد. اگر با کوه‌ها درگیر شود از بُن می‌کند تا وارد سرزمین ایلیا (قدس) شود. او پرچم‌دار مهدی علیه السلام خواهد بود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۰۵۸)

۱. شهری است در ۶ کیلومتری جنوب شرقی نجف (آئینه‌وند، ۱۳۸۶: ۳۱)

ب) قیام یمانی

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور، قیام یمانی است که همزمان با خروج سفیانی از صنعای یمن رخ می‌دهد؛ این تقارن زمانی یگانه علامت و نشانه شناخت یمانی است، چون از آن جا که یمانی شخصیت والا و برجسته‌ای است، لذا اشاره به ویژگی‌ها و اوصاف ظاهری ایشان باعث به وجود آمدن یمانی‌های دروغین در طول تاریخ می‌شود، از این رو در روایات نشانه‌های ظهور تنها به همزمانی قیام یمانی با سفیانی، آن هم از صنعای یمن اشاره شده است:

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که «قَدْ يَكُونُ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجِ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ مَعَ الرَّأْيَاتِ الْبَيْضِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ شَهْرٍ وَاحِدٍ وَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ» خروج سفیانی با خروج یمانی از یمن با پرچم‌های سفید در یک روز از یک ماه، در یک سال می‌باشد (میرلوحی، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

در حدیث دیگری نیز می‌فرمایند:

الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ كَأْتِيَهُمَا فَرَسًا رَهَانًا؛

یمانی و سفیانی مثل دو اسب مسابقه پشت سر هم فرا می‌رسند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۶۱).

در روایاتی دیگر، قیام خراسانی و قیام یمانی نیز همزمان توصیف شده است که از میان آنها می‌توان به روایت زیر اشاره نمود:

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که «خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيِّ وَالسُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» خروج سه تن، خراسانی، سفیانی و یمانی در یک روز، ماه و سال می‌باشد و در این میان پرچمی هدایت‌یافته‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که به سوی حق رهنمون می‌شود (خاتون‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۶۹).

ج) قیام حسنی

قیام حسنی نیز یکی دیگر از قیام‌ها در برابر ظهور سفیانی می‌باشد. یکی از ویژگی‌های این قیام نیز، همزمان بودن آن با قیام یمانی گفته شده است. در تقارن قیام یمانی با سید حسنی احادیثی وجود دارد که از جمله آن روایتی است که کلینی با سند صحیح نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد فرج شیعیان شما چه زمانی است؟ ایشان فرمودند:

إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَى سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ فِيهِمْ وَ خَلَعَتْ

الْعَرَبُ أَعْتَمَتْهَا وَرَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ وَظَهَرَ الشَّامِي وَاقْبَلَ الْيَمَانِي وَتَحَرَّكَ الْحُسَيْنِي وَخَرَجَ صَاحِبٌ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ؛
 وقتی بنی‌عباس با هم دچار اختلاف شوند و سلطنت آنها ضعیف شود و طمع بدوزند به آنها کسانی که نمی‌توانستند طمع کنند. و عرب افسار خود را رها کند و دیگر زیر بار کسی نرود، و صاحب هر سلاحی سلاح خود را بردارد، و سفیانی ظاهر شود، و یمانی روی آورد و حسنی هم حرکت کند و صاحب این امر با میراث رسول خدا از مدینه به سوی مکه عزیمت نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۱۸۹).

در این حدیث از تقارن قیام یمانی، سفیانی و سید حسنی سخن به میان آمده است. با توجه به این که حکومت بنی‌عباس در سال ۶۶۶ ق مقرر شده است می‌توان مطلب این حدیث را چنین تعبیر کرد که در آستانه ظهور حضرت حجت علیه السلام حکومتی پایه‌ریزی خواهد شد که بنیان‌گذار آن از تبار بنی‌عباس و یا بر شیوه حکومتی آنان خواهد بود، به این معنا که علی‌الظاهر دوستدار اهل بیت علیهم السلام و در باطن با آنها دشمن است. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید:

حکومت بنی‌عباس بر اساس مکر و حيله است، از بین می‌رود گویا اصلاً چنین حکومتی نبوده است و از نو آغاز می‌شود گویی که اصلاً از بین نرفته بود (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ ق: ۲۵۶).

د) شورش حیره

پس از تسلط سفیانی بر کوفه، باز هم گروه‌هایی ضد او شورش می‌کنند که این بار فاجعه‌ای توسط یکی از فرماندهان سفیانی به بار می‌آید و مابین کوفه و حیره جنایاتی اتفاق می‌افتد که خود همین کشتار نشانه‌ای برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. امام کاظم علیه السلام فرمودند:

چگونه ممکن است امر ظهور فرارسد در حالی که هنوز آن کشت و کشتار گسترده بین کوفه و حیره واقع نشده است؟! (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۳۱)

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند:

... آن‌گاه مردی از موالیان کوفه با جمعی از مستضعفان کوفه خروج خواهد نمود و فرمانده سپاه سفیانی او را در بین حیره و کوفه خواهد کشت. (قزوینی، ۱۳۷۶: ۴۵۵)

ه) ظهور مهدی علیه السلام و واکنش سفیانی

در همین حال که سپاه سفیانی در حال غارت مدینه است به سفیانی خبر می‌رسد که

مهدی علیه السلام ظهور کرده و اکنون در مکه است. سفیانی نیز برای مبارزه و نابودی حضرت مهدی علیه السلام سپاهی که در مدینه است را راهی مکه می‌کند. این سپاه در سرزمینی مابین مدینه و مکه اتفاقی برایش می‌افتد. در این مکان که بیداء نام دارد زمین فرومی‌نشیند و تمامی سپاه سفیانی به جز دو برادر را درخود فرو می‌گیرد.
 اصبع بن نباته از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

... سپاهیان به فرماندهی مردی غطفانی رو به مکه می‌کنند. در میانه راه به بیابان سفیدی می‌رسند، درکام زمین فرو می‌روند و جز دو نفر که بناست نشانه‌ای برای دیگران باشند کسی باقی نمی‌ماند که خداوند صورت آنها را به پشت برگردانده است.
 (الساده، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

همین دو نفر ناقل پیام این اتفاق به حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی خواهند بود. لشکر حضرت مهدی علیه السلام به سرعت برای نابودی ظالمین حرکت می‌کند و در واقع تقریباً همیشه درحال جنگ هستند.
 امام رضا علیه السلام فرمودند:

هنگامی که قائم ما خروج کند خون است و عرق ریختن و سوار مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه. (آقایی، ۱۳۸۰: ۴۱)

برخورد سپاه مهدی علیه السلام با سپاه سفیانی

سریعاً لشکر مهدی علیه السلام عراق و مصر را که تحت تصرف سفیانی است بازمی‌گرداند و به سمت سفیانی حرکت می‌کنند. مهدی علیه السلام درکوفه اقامتی نموده و به سرعت در قدس توقف می‌کند. سفیانی که باخبر می‌شود باتوجه به شکست سرزمین بیداء و شکست‌ها و از دست دادن سرزمین‌هایش، تسلیم مهدی علیه السلام گردیده اما با توطئه همراهانش بیعت خود را می‌شکند و آماده جنگ با مهدی علیه السلام می‌شود. در پایان، سپاه سفیانی شکست سختی از مهدی علیه السلام می‌خورد و خودش نیز سرنوشتی بهتر از بریده شدن سرش ندارد.^۱
 امام باقر علیه السلام فرمودند:

وقتی آن پناهنده به مکه (مهدی) خبر فرورفتن در زمین بیداء را می‌شنود با دوازده هزارنفر که در میان آنها ابدال نیز حضور دارند قیام می‌کند و از مکه خارج می‌شود تا آن که در ایلیاء (قدس) فرود آید. سفیانی که این خبر را می‌شنود، می‌گوید: به خدا

۱. این داستان در بخش جنگ آرمگدون نیز بررسی خواهد شد.

سوگند، خداوند در این مرد عبرتی قراردادده است. من سپاهی مقتدر و مجهز به سوی او فرستادم اما در زمین فرورفتند. این امر مایه عبرت است. از این رو سفیانی تسلیم وی شده، پیرو او می‌گردد. او از آن جا بیرون می‌رود تا آن که به دایی‌هایش از طایفه بنی کلب برمی‌خورد. آنها او را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: خدا پیراهن (سروری) را برنت کرده بود اما تو خود، آن را بیرون آوردی! می‌گوید: نظر شما چیست؟ آیا بیعتش را پس دهم؟ می‌گویند: آری. سپس سفیانی به ایلیا نزد امام رفته و می‌گوید بیعتم را پس بگیر. حضرت می‌فرماید آیا چنین دوست می‌داری؟ می‌گوید: آری. امام بیعتش را از او برمی‌دارد و سپس می‌گوید این مرد از طاعت من خارج شده است. . . . (صدر، ۱۳۸۴: ۳۳۸)

عاقبت سفیانی

امام رضا علیه السلام فرمودند:

سفیانی روی تخته سنگی در دروازه ایلیا (بیت المقدس) سر بریده می‌شود. (سلیمان، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۳۳)

عاقبت جهان پس از این جنگ‌ها

به گفته روایات اسلامی، مهدی علیه السلام به تصرفات خود ادامه خواهد داد و به سمت ترکیه به پیش می‌رود و از طرفی لشکری بزرگ را برای فتح اروپا و امریکا به راه می‌اندازد که همگی آنها در جنگ‌هایشان پیروز خواهند شد. پس از آن حکومت عدل الهی به دست مهدی علیه السلام و وزیران عجم او در سطح کل جهان تشکیل خواهد شد و همه انسان‌ها خدای یکتا را پرستیده تا زمانی که قیامت برپا شود.

جنگ‌های آخرالزمان به اعتقاد کتاب مقدس^۱

شاید برای برخی از خوانندگان این مقاله این نکته حائز اهمیت باشد که کتاب مقدس (Holy Bible) تشکیل می‌شود از عهد عتیق و عهد جدید. عهد عتیق به کتبی از کتاب مقدس می‌گویند که پیروان یهودیت بدان اعتقاد دارند و عهد جدید نیز بخشی از کتاب مقدس است که مسیحیان بدان معتقد می‌باشند. اما نکته دیگری که در این جا اهمیت دارد این است که پیروان دین مسیحیت، به عهدین (عهد عتیق و جدید) اعتقاد دارند اما یهودیان اعتقادی به

1. Holy Bible

عهد جدید مسیحیان ندارند.

با این توضیح می توان گفت روایاتی که از بخش عهد عتیق کتاب مقدس (مانند مزامیر داود، حزقیال نبی و...) دیده می شود مورد تأیید مسیحیان و یهودیان می باشد و روایاتی که از عهد جدید بیان می شود، مورد اعتقاد مسیحیان است.

جنگ موعود آرمگدون^۱

به اعتقاد کتاب مقدس^۲ در آخرالزمان جنگی میان نیروهای خیر و شر (Hornby, 2005, p. 69) به وقوع خواهد پیوست که به نقل برخی تفاسیر از کتاب مقدس، جنگی است که در جایی به اسم «حار مجدون»^۳ در ۲۰ مایلی جنوب شرقی حیفا در فلسطین به وقوع می پیوندد. نام این جنگ (آرمگدون) نیز از این اسم عبری گرفته شده است. گرانت جفری (Grant R. Jeffery) یکی از نویسندگان بزرگ اوانجلیست درباره جنگ موعود آرمگدون می نویسد:

پیش گویی ها در انجیل به طوری بسیار واضح بیان از یک سری وقایعی پرده برمی دارد که نشانگر درگیری نهایی تاریخ در آینده است. این وقایع باورنکردنی نهایتاً به اوج گرفتن برنامه عظیم خداوند منجر می شود، امید بازگشت مسیح و پایه ریزی حکومتش بر زمین. (Jeffery, 1991, p. 7 & 8)

در این جنگ بسیاری از مردم (دو سوم) کشته می شوند که تفاسیر زیادی از این عدد دو سوم وجود دارد مانند این که، این دو سوم یهودیان هستند و... کشته شدن این دو سوم مورد قبول منابع اسلامی و کتاب مقدس است.

در مکاشفه یوحنا می خوانیم:

... و ششمین پیاله (خشم خداوند) را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق می آیند مهیا شود... (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا باب ۱۶ بند ۱۲).

اگر این بند از مکاشفه یوحنا را تا بند شانزدهم، ادامه دهیم به این جملات می رسیم:
سپس سه روح شیطانی را دیدم... روح های شیاطین... و آنها به سمت پادشاهان کل

1. Armageddon

۲. در این موضوع مسیحیان و یهودیان اتفاق نظر دارند و اگر اتحادی هم میان این دو دین وجود دارد به دلیل همین عقیده آرمگدون است.

۳. در زبان عبری، حار به معنای کوه است.

دنیا خروج می کنند تا آنها را برای جنگ در روز بزرگ خداوند قادر جمع کنند ... آنها پادشاهان را در جایی که به عبری آن را آرمگدون می نامند، گردهم می آورند. (Willis and Willis, 2006, p.39)

و این تنها جایی است که لفظ آرمگدون در کتاب مقدس وجود دارد. ویلز در ادامه بیان این بند از مکاشفه یوحنا می آورد:

با نگاه به بسیاری از مفسرین، نویسنده ناشناس از آخرین کتاب در کتاب مقدس (مکاشفه یوحنا) وقایعی را توصیف می کند که به جنگ نهایی در دنیا منجر می شود که با بازگشت یک فرد سوار بر اسب سفید (rider on a white horse) به اتمام می رسد. نام این سوارکار، مؤمن و صادق (Faithful and True) می باشد، او ارتش های ضد مسیح را در بزرگترین جنگ تاریخ در دره ای به نام مجدو (Megiddo) که دشتی وسیع در اسرائیل می باشد، شکست می دهد. (همان: ۳۹)

ضمن آن که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند:

این امر (قیام مهدی) نخواهد بود تا دو سوم مردم از بین بروند. (الکوران، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

این جنگ که قبلاً هم ذکر شد در فلسطین می باشد و کتاب مقدس نیز این را تأیید می کند و هدف مهاجمان را تصرف اورشلیم و نابودی یهودیان معرفی می کند که در ادامه آن با مقابله خداوند، این مهاجمین کاری از پیش نبرده و همگی آنها نابود خواهند شد. در کتاب زکریای نبی می خوانیم:

جميع امتها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر منقطع خواهند شد و خداوند بیرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد نمود چنان که در روز جنگ مقاتله نمود... و یهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود در آن روز یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد (کتاب مقدس، زکریای نبی باب ۱۴ بندهای ۲، ۳ و ۹).

پس از این جنگ به روایت کتاب مقدس، خداوند بر نیروهای شر غلبه یافته و ملت های جهان را برای فسادهایی - که در کتاب مقدس ذکر شده - مؤاخذه خواهد کرد و پس از آن خداوند به پادشاهی زمین می رسد و مردم نیز به دین خود بازگشته و خداوند را مورد ستایش قرار می دهند.

در مسیحیت نیز همین عقیده است با این تفاوت که به جای خداوند، پسرش (مسیح) به جنگ پرداخته و دجال که نماینده نیروهای شر است را می‌کشد و در آخر نیز مسیح سلطنت را به دست می‌آورد.

در مزامیر داوود می‌خوانیم:

امت‌ها را توبیخ نموده و شریران را هلاک ساخته نام ایشان را محو کرده تا ابدالآباد و اما دشمنان نیست شده، خراب‌های ابدی گردیده‌اند و شهرها را ویران ساخته حتی ذکر آنها نابود گردید لیکن خداوند نشسته است تا ابدالآباد... خداوند را که بر صهیون^۱ نشسته است بسرائید (کتاب مقدس، مزامیر داوود، مزمور ۹ بندهای ۵ تا ۱۱).

همچنین در مکاشفه یوحنا می‌خوانیم:

و فرشته بناوخت که ناگاه صدای بلندی در آسمان واقع شد که می‌گفتند سلطنت جهان از آن خداوند ما مسیح شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد (کتاب مقدس، مکاشفه یوحنا، باب ۱۲ بند ۱۵).

در این جنگ بنا به باب ۱۶ از مکاشفه یوحنا خداوند رود فرات را می‌خشکاند تا سپاهی که از مشرق برای کشتار می‌آید به راحتی بتواند از رودخانه عبور کرده و به کشتار بپردازد.

تبلیغات و برخی تفاسیر به رأی‌ها درباره آرمگدون

۱. ادعای مالکیت فلسطین برای یهودیان و مظلومیت ملت یهود

بنا به گوشه‌ای از کتاب مقدس، یهودیان ادعا می‌کنند که اورشلیم و بسیاری از اماکن دیگر در مالکیت آنها قرار دارد. در کتاب زکریای نبی می‌خوانیم:

یهوه چنین می‌گوید اینک من قوم خود (یهود) را از زمین مشرق و از زمین مغرب آفتاب خواهم رهناید و ایشان را خواهم آورد که در اورشلیم سکونت نمایند و ایشان قوم من خواهند بود و من به راستی و عدالت، خدای ایشان خواهم بود (کتاب مقدس، زکریای نبی، باب ۸ بندهای ۷ و ۸).

ضمن آن که در همین رابطه از امام علی علیه السلام روایت است که فرمودند:

۱. صهیون کوهی است که در شهر بیت المقدس واقع است و مسجدالاقصی و قبل از آن به قولی هیکل سلیمان نیز روی این کوه ساخته شده‌اند. (نشاشی، ۱۳۶۷: ۵۵۶)

یهود برای تشکیل دولت خود به فلسطین خواهد آمد... به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند (به وسیله اعراب) کشته می‌شوند تا جایی که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند. (دستی، ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۶۰)

در اعترافی که یکی از اعضای پارلمان‌های گذشته اسرائیل به نام افرایم سنیه مطرح کرد این نکته نیز دیده می‌شود که:

هر کشور عرب که از قدرت و توان بالایی برخوردار شود، احتمال دارد روزی از آن علیه اسرائیل استفاده کند. (سنیه، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

همین قضیه به دست‌آویزی برای سکونت یهودیان در فلسطین تبدیل شده است و از نیروهای عرب به عنوان نیروی شر در آن جنگ و از خودشان به انضمام آن که امت خداوند هستند، نیروی خیر معرفی می‌کنند.

حال که یهودیان، دولتی به نام اسرائیل تشکیل داده‌اند، نوبت به آن رسیده تا تبلیغات بسیار گسترده‌ای در سطح جهانی انجام دهند تا برخی بنیادگرایان مسیحی و صهیونیست‌ها را به اسرائیل بکشانند.

۲. استفاده از سلاح‌های جنگی در این جنگ

دیگر عقیده این است که این جنگ، جنگی به کمک سلاح‌های اتمی و هسته‌ای است که حتی در همین رابطه از کتاب حزقیال نبی در کتاب مقدس استفاده می‌کنند. در کتاب حزقیال نبی می‌خوانیم:

خداوند یهوه می‌گوید در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل می‌آید همانا حدت خشم من به بینی‌ام خواهد برآمد... ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و کوه‌ها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید... و با خون بر او عقوبت خواهم رسانید و باران سیل‌آسا تگرگ سخت و آتش و گوگرد بر او و بر قوم‌های بسیاری که با وی می‌باشند خواهم بارانید (کتاب مقدس، حزقیال نبی، باب ۳۸ بندهای ۱۸ تا ۲۱).

از بخش «آتش و گوگرد» استفاده می‌کنند و می‌گویند که حتما این جنگ، جنگ سلاح هسته‌ای بود و حتی در برخی جاها اظهار می‌دارند که:

امکان ندارد که حزقیال نبی به چیز دیگری جز مبادله سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای اشاره کرده باشد. (هالسل، ۱۳۸۳: ۴۶)

و البته قسمتی دیگر از کتاب مقدس که بهتر و قابل فهم تر جنگ هسته‌ای را ترسیم می‌کند در کتاب زکریای نبی نقل شده است که:

و این بلایی خواهد بود که خداوند بر همه قوم‌هایی که با اورشلیم جنگ‌کننده وارد خواهد آورد. گوشت ایشان در حالتی که برپاهای خود ایستاده باشند کاهیده (مانند کاه) خواهد شد و چشمان شان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهان شان کاهیده خواهد شد... و بلای اسب‌ها و شترها و تمامی حیوانات که در آن اردوها باشند مانند این بلا خواهد بود (کتاب مقدس، زکریای نبی، باب ۱۴ بندهای ۱۲ تا ۱۵).

در این جا، صفاتی که برای کشته‌شدگان و طریقه کشتن آنها گفته شده است تقریباً با صفاتی که پس از اصابت بمب هسته‌ای به جایی پدید می‌آید منطبق است اما چگونه می‌توان این افرادی را که به اورشلیم حمله کرده‌اند را سپاهی از جانب شرق دانست! البته در روایات اسلامی به سنگین بودن و پیچیدگی سلاح‌ها اشاره شده است اما این‌طور که به طور خاصی بر روی آن تفسیری نوشته شده باشد که این سلاح‌ها قطعاً هسته‌ای هستند این‌طور نیست.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

... مردی سوار بر تیزتکی که بافت درونی اش بسیار پیچیده است خبری می‌آورد... (سلیمان، ۱۳۷۱، ج ۲، ۹۲۱)

نتیجه‌گیری

به طور کلی باید گفت، منطقه غرب آسیا یک منطقه استراتژیک بوده و ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی آن و به طور عام تر، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آن، این منطقه را برای هر کشور و سرزمین و تفکری مهم می‌کند. از طرف دیگر، تمرکز ادیان ابراهیمی در این محدوده و ظهور آنها در این منطقه می‌تواند مؤید دیگری بر اهمیت بناها و عبادتگاه‌ها و به تبع آن کتب مقدس این سه دین باشد.

به عقیده هر سه دین ابراهیمی (اسلام، یهودیت و مسیحیت)، در آخرالزمان جنگ‌هایی رخ می‌دهد که بنا بر اقوال مطرح شده در روایات این سه دین، این جنگ‌ها در منطقه غرب آسیا رخ می‌دهد.

از مجموع این دو (اهمیت ژئوپلیتیکی غرب آسیا و پیش‌گویی‌های ادیان از رخ دادن جنگ‌ها در این ناحیه از جهان) می‌توان نتیجه گرفت که این محدوده از جهت ژئوپلیتیکی،

نقش به سزایی در جنگ‌های آخرالزمان ایفا خواهد کرد. البته تفاسیر بسیار زیادی در مورد کیفیت جنگ‌ها وجود دارد که برخی‌ها آن را حتی با ابزارهای روز دنیا مانند جنگ‌های اتمی و... نیز تعبیر کرده‌اند.

اکنون می‌توان درک کرد که در ابتدای پژوهش اختلافات مذهبی ادیان اندک است و اگر زیاد است به راحتی با به کار بردن استدلال‌های منطقی، قابل حل است اما برخی تفاسیرها و نظریه پردازی‌ها مانع حل این اختلافات شده و حتی در برخی جاها موجب صدمه‌های جدی به اعتقادات گروه بزرگی از مردم شود.

یک تفسیر غلط می‌تواند تا جایی مؤثر باشد که غرب آسیا را به هدف توپ‌های فرهنگی و نظامی امریکا تبدیل کند و فجایع بزرگ انسانی را در غزه، عراق و افغانستان پدید آورد و حتی برای کشتار آیندگان این جهان بنا به همین تفسیر غلط تصمیم بگیرند.

راه حل این مشکل، مسلماً کنار گذاشتن تفاسیر اشتباه در این زمینه می‌باشد. اما تشخیص تفاسیر اشتباه به عهده چه کسانی است؟ مسلماً علمای سه دین ابراهیمی، محور و مرکز اندیشه‌های صحیح می‌باشند چرا که سال‌ها در این زمینه تحصیل نموده و می‌توانند استنباط‌های صحیح‌تری داشته باشند. پس اگر علمای این سه دین ابراهیمی، پایه عرصه بگذارند قطعاً به راحتی تفاسیر اشتباه و فریبنده از بین خواهد رفت و آینده‌ای زیباتر با دنیایی پر از صلح ترسیم خواهد شد.

در کل، می‌توان گفت که دلبستگی‌های بیش از حد برخی‌ها به دنیا و چشم طمع دوختن ایشان به چند کیلومتر سرزمین و به دست آوردن بیشتر مناطق ژئوپلیتیکی موجب دوری از دین و در ادامه آن در راستای رسیدن به آن مناطق مهم، اختلاف‌اندازی در بین ادیان را پیش می‌آورد تا جایی که مسیحیان و یهودیانی که چندین سال دشمن یکدیگر بوده‌اند با تأکید بر برخی آموزه‌های دینی اشتباه، ناگهان متحد می‌شوند و بر ادیان دیگر خصوصاً اسلام یورش می‌برند.

منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. الغیبه. تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی. معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم: مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
- امامی، محمدجعفر و آشتیانی، محمدرضا. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده. انتشارات الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۹.
- آران، گیدیون. بنیادگرایی صهیونیستی یهود: گروه مؤمنان در اسرائیل (گاش امیونیم). ترجمه: احمد تدین. بی جا: انتشارات هرمس، ۱۳۷۸.
- آئینه وند، صادق. اطلس تاریخ اسلام. بی جا: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶.
- بی ناس، جان. تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت، بی جا: بی نا، ۱۳۴۵.
- بی نام. کتاب مقدس. لندن: BFBS، ۱۹۲۰.
- بیومونت، پیتر، بلیک، جرالده و مالکوم واگ استاف. خاورمیانه. ترجمه محسن مدیر شانه چی، محمود رمضان زاده و علی آخشینی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- پاک آئین، مریم. دروازه لد، محل فرود مسیح. ماه نامه موعود (۱۰۱): ۳۸-۳۹، ۱۳۸۸.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود. پیدای پنهان. قم: انتشارات حضور، ۱۳۸۰.
- جادالمولی، محمد و ابوالفضل، ابراهیم و محمدالبجاوی، علی و شحاته، السید. قصه های قرآن. ترجمه مصطفی زمانی. بی جا: انتشارات پژوهاک اندیشه، ۱۳۸۵.
- جزایری، سیدطیب. آخرین امید جهان وجود مقدس امام زمان. بی جا: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، ۱۳۸۳.
- جعفری، محمدصابر. اخبار مهدویت. مجله امان (۱۷)، ۱۳۸۸.
- چامسکی، نوم. مثلث سرنوشت. ترجمه عزت الله شهیدا. بی جا: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
- حافظ نیا، محمدرضا. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پایلی، ۱۳۹۰.
- حسن زاده آملی. حسن. نهج الولایه. بی جا: انتشارات الف. لام. میم، ۱۳۸۳.
- حکیمی، محمد. عصر زندگی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
- حلی، حسن بن یوسف. خلاصه الاقوال فی معرفه احوال الرجال. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.

- خاتون آبادی، محمدصادق. *کشف الحق*. قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۳۶۱.
- خادمی شیرازی، محمد. *نشانه های ظهور او*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
- درایسدل، آلسدیر و جرالد اچ بلیک. *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه: دره میرحیدر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۹۶.
- دشتی، محمد. *آینده و آینده سازان*. انتشارات امیرالمؤمنین، ۱۳۸۱.
- _____ . *فرهنگ سخنان حضرت مهدی*. انتشارات امیرالمؤمنین، ۱۳۸۴.
- الراوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائح*، تحقیق: سید محمدباقر الموحّد الأبطحی، قم: مؤسسه الامام المهدی، اول، ۱۴۰۹ق.
- رحمانی، شمس الدین. *تصویر آینده*. انتشارات مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۷۸.
- رضوانی، علی اصغر. *علائم ظهور*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ (الف).
- _____ . *قرآن و ظهور حضرت مهدی*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- _____ . *منجی از دیدگاه ادیان*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- _____ . *نظریه پردازی آینده جهان*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- _____ . *هنگامه ظهور*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.
- الساده، مجتبی. *شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور)*. ترجمه: محمود مطهری نیا. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۵.
- سلیمان، کامل. *روزگار رهایی*. ترجمه: علی اکبر مهدی پور. انتشارات آفاق، ۱۳۷۱.
- سماره، سلیم ابراهیم، الطویل، علی حسن، بقاعی، علی نایف، شلاق، عدنان علی و سمیر حسین الغاوی. *فهرس احادیث و آثار المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.
- سنایی کاشانی، علی. *تکامل بشر در پرتو انقلاب جهانی امام مهدی*. انتشارات سپهر آذین، ۱۳۸۴.
- سنیه، افرایم. *اسرائیل پس از ۲۰۰۰*. ترجمه: عبدالکریم جادری. انتشارات دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- سیوطی، جلال الدین. *الدر المشور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شاملویی، حبیب الله. *جغرافیای کامل جهان*. انتشارات بنیاد، ۱۳۷۳.
- شفیعی سروسستانی، اسماعیل. *پیش گویی ها و آخرالزمان*. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴.
- صدر، سیدمحمد. *تاریخ پس از ظهور*. ترجمه: حسن سجادی پور. انتشارات موعود عصر، ۱۳۸۴.

- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، معانی الأخبار، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۳۸ ش.
- صفاخواه، محمدحسین. بشارت نبوی به ظهور مهدوی. انتشارات فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. الفهرست. انتشارات مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۳۷۵.
- _____، الأمالی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- عارف، علی اکبر. نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدی. انتشارات شریعت، ۱۳۸۲.
- عزتی، عزت الله. ژئوپلیتیک. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲.
- _____، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- غفاریان، سیروس. سرگذشت سرزمین فلسطین. انتشارات مدرسه، ۱۳۸۷.
- قزوینی، سیدمحمدکاظم. امام مهدی از ولادت تا ظهور. ترجمه حسین فریدونی. انتشارات آفاق، ۱۳۷۶.
- قمی، عباس. منتهی الآمال. انتشارات چاووش، ۱۳۷۹.
- کشی، محمدبن عمر بن عبدالعزیز ابو عمر. اختیار معرفه الرجال (رجال کشی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
- کلباسی اشتری، حسین. مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت. جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، ۱۳۸۳.
- کورانی، علی. عصر ظهور. ترجمه: محمد حقی. انتشارات بین الملل، ۱۳۸۶.
- گلن، ویلیام و مارتین، هنری. کتاب مقدس. ترجمه: میرزا محمدجعفر شیرازی و سیدعلی خان شیرازی. انتشارات ایلام، ۱۳۸۰.
- لنچافسکی، ژرژ. تاریخ خاورمیانه. ترجمه: هادی جزایری. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۳۷.
- مار، فب. تاریخ نوین عراق. ترجمه: محمد عباس پور. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.
- مجلسی، محمدباقر. مهدی موعود. ترجمه: حسن بن محمد ولی ارومیه ای. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

- محمدی اشتهاردی، محمد. نگرشی بر زندگی حضرت مهدی. انتشارات مطهر، ۱۳۷۷.
- المروزی، ابی عبدالله نعیم بن حماد. الفتن. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- المروزی، نعیم بن حماد، الفتن، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- المقدسی الشافعی السلمی، الیوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز. عقد الدرر فی أخبار المنتظر. قاهره: مکتبه عالم الفکر، ۱۳۹۹ق.
- مقدسی حنبلی، مرعی بن یوسف، فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، تحقیق: سامی الغریری، قم، دارالکتاب الاسلامی، سوم، ۱۴۲۷ق.
- مک ایودی، کالین. اطلس تاریخی جهان از آغاز تا امروز. ترجمه: فریدون فاطمی. انتشارات مرکز، ۱۳۷۱.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. انتشارات مدینه العلم، ۱۳۶۸.
- مؤمنی، میر قاسم. کتاب خاورمیانه ۳: بررسی مسائل داخلی رژیم صهیونیستی. انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۶.
- میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد. کفایة المهتدی فی معرفة المهدی علیه السلام. قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۴.
- نجاشی، احمد بن علی بن احمد. فهرست اسماء مصنفی الشیعه. نشر اسلامی، ۱۳۷۴.
- النجیری، محمود. آرمگدون. ترجمه: رضا عباس پور و قبس زعفرانی. انتشارات هلال، ۱۳۸۶.
- نشاشیبی، ناصرالدین. در خاورمیانه چه گذشت. ترجمه محمد حسین روحانی. انتشارات توس، ۱۳۶۷.
- نصری، قدیر. مناطق حیاتی خاورمیانه. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳.
- نهاوندی، علی اکبر. برکات حضرت ولی عصر علیه السلام. انتشارات تکسوار حجاز، ۱۳۸۲.
- النیشابوری، الحاکم، المستدرک، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی جا: بی نا، بی تا.
- واصف، محمدجعفر. پیش گویی های امیرالمؤمنین از فتنه ها و حوادث آینده. انتشارات لوح زرین، ۱۳۸۷.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.
- هاکس، جیمز. قاموس کتاب مقدس. ترجمه جیمز هاکس. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- هالسل، گریس. تدارک جنگ بزرگ بر اساس پیش گویی های انبیای بنی اسرائیل. ترجمه: خسرو اسدی. انتشارات مؤسسه رسا، ۱۳۸۳.

- هلال، رضا. مسیح یهودی و فرجام جهان. ترجمه: قیس زعفرانی. انتشارات هلال، ۱۳۸۳.
- Cohen, Saul Bernard. 2015. Geopolitics: The geography of international relations. Newyork: Rowman & Littlefield.
 - Dodds, Klaus. 2007. Geopolitics: A very short introduction. Newyork: Oxford university press.
 - Fisher, W.B..1978.The middle east.Graat Britain: Cambridge university press.
 - Hornby, A.S. 2005. Oxford advanced learner's dictionary of current language. Newyork: Oxford university press.
 - Jeffery, Grant R.. 1991. Messiah: war in the middle east & the road to Armageddon. Toronto: Frontier research publications.
 - Willis, Jim and Willis, Barbara. 2006. Armageddon now: the end of the world A to Z. Detroit: Visible ink press.

